



A Jurisprudential and Legal Assessment of the Liability of Users and Regulatory Authorities for Rumor-Mongering in Cyberspace

Ali-Akbar Izadifard^{*} and Mohsen Naderi^{**}

Received: 28 February 2026 | Recieved in revised form: 28 March 2026 | Accepted: 24 May 2026 | Published: 01 July 2026

Abstract

Throughout human history, from its beginning to the present, the world has been a scene of struggle and confrontation between the forces of truth and falsehood. Among the means employed by tyrants throughout history to undermine truth and righteousness has been the spreading of rumors and dissemination of false news and information, thereby enabling them to pursue their ulterior objectives. Today, rumor-mongers exploit cyberspace as a public and borderless environment to disturb public opinion and distort the truth. This study addresses the following questions: Who are the rumor-mongers? Can the republication of their content by other users be criminalized? Are regulatory bodies responsible for cyberspace liable in cases of omission? Under which jurisprudential rule can the liability of users and regulatory bodies be established? The study employs a descriptive-analytical method, together with explanation, analysis, and inference. The findings indicate that users and regulatory bodies may incur liability under certain circumstances. The liability of users is established on the basis of the jurisprudential rule of *I'ānah 'alā al-ithm* (assistance in sin). In some cases, the liability of regulatory bodies is likewise established under the same rule, given their capacity to manage and monitor the conduct of content creators and producers. In other cases, however, where regulatory bodies lack managerial control over foreign communication networks and services in cyberspace, their liability is established under the jurisprudential rule of *Nafy al-sabīl* (negation of domination).



Keywords: *I'ānah 'alā al-ithm* (Assistance in sin); Rumor-mongering; Cyberspace; Users and regulatory bodies; *Nafy al-sabīl* (Negation of domination).

* Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Foundations of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran; Email: izadifard@umz.ac.ir

** PhD Candidate in Islamic Jurisprudence and Foundations of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author); Email: mnnnnarsenal9085@gmail.com

■ Izadifard, A., and Naderi, M. (2026)., A Jurisprudential and Legal Assessment of the Liability of Users and Regulatory Authorities for Rumor-Mongering in Cyberspace. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 4 (2)., 41-66. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.13093.1206>



امکان سنجی فقهی و حقوقی مسئولیت کاربران و نهادهای نظارتی نسبت به شایعه پراکنی در فضای مجازی

علی اکبر ایزدی فرد^{*id} و محسن نادری^{**id}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰

چکیده

ادوار مختلف تاریخ زندگانی بشر از آغاز تا کنون (از مبدأ تا مقصد) صحنه نبرد و مقابله جبهه حق و باطل است. از جمله ابزاری که طواغیت در طول تاریخ از آن به عنوان حربه‌ی تضعیف کننده حق و حقیقت استفاده کرده‌اند، شایعه پراکنی و شیوع اخبار و اطلاعات خلاف واقع است تا بتوانند از این طریق به اغراض شوم خود برسند. امروزه مرجفون با استفاده از فضای مجازی به عنوان محیطی عام و بدون مرز، سعی در تشویش اذهان و تحریف حقیقت در این فضا دارند. مرجفون چه کسانی هستند؟ آیا باز نشر مطالب آن‌ها توسط کاربران دیگر را می‌توان جرم‌انگاری نمود؟ نهادهای نظارتی مرتبط با فضای مجازی در صورت ترک فعل مسئولیت دارند؟ تحت کدام قاعده فقهی مسئولیت کاربران و نهادهای نظارتی ثابت می‌شود؟ روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی — تحلیلی همراه با تبیین، تحلیل و استنتاج می‌باشد. خلاصه پژوهش آن که کاربران و نهادهای نظارتی تحت شرایطی دارای مسئولیت بوده و مسئولیت کاربران از طریق قاعده اعانت بر اثم ثابت می‌شود و مسئولیت نهادهای نظارتی در برخی از موارد با توجه به امکان مدیریت و نظارت بر رفتار سازندگان و تولید کنندگان محتوا از طریق قاعده اعانت بر اثم خواهد بود و در بعضی موارد دیگر با توجه به عدم اشراف مدیریتی نسبت به شبکه‌ها و سرویس‌های ارتباطی خارجی در فضای مجازی مشمول قاعده نفی سبیل خواهد شد.



کلیدواژه: اعانت بر اثم، شایعه پراکنی، فضای مجازی، کاربران و نهادهای نظارتی، نفی سبیل.

* استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. | izadifard@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

mnnnnarsenal9085@gmail.com

□ ایزدی فرد، علی اکبر و نادری، محسن (۱۴۰۵). امکان سنجی فقهی و حقوقی مسئولیت کاربران و نهادهای نظارتی نسبت به

شایعه پراکنی در فضای مجازی، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. ۴ (۲)، ۶۶-۴۱. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.13093.1206>

(۱) مقدمه

فضای مجازی به عنوان پدیده‌ای نوظهور موجب تنوع و گسترده‌گی بی‌انتهای ارتباطات شده و مرزهای جغرافیایی را درنور دیده است. تفاوت محسوسی بین این فضا با فضای حقیقی در تعداد اشخاصی که به پیام دسترسی پیدا می‌کنند وجود دارد؛ چه بسا در کسری از ثانیه میلیون‌ها نفر با یکدیگر به گفت‌وگو پردازند و خبری را اطلاع‌رسانی کنند. این در حالی است که در زمان‌های قدیم که دانش فنی (تکنولوژی) و ابزارهای ارتباطی بشر به این فناوری دیجیتال به‌هم پیوسته (فضای مجازی) متصل نبود، فاصله جغرافیایی محدودیت محسوب می‌شد و عملاً امکان ارتباط انسان‌ها از یک نقطه در کره زمین و یک قاره با انسان‌هایی از قاره‌های دیگر ممکن نبوده و چنین امکانی در دسترس همگان نبود و فقط دریانوردان و کاشفین و ماجراجویان با مشقت می‌توانستند خود را از یک نقطه از جهان به نقطه دیگر برسانند و به ارتباط با اشخاصی با آداب و رسوم و ملیت‌های مختلف دست پیدا کنند. اما در عصر حاضر با شکل‌گیری فضای مجازی و استفاده بشر از امکانات فزاینده آن، این مشکل از بین رفته است. افراد بدون طی مسافت فیزیکی می‌توانند با دوستان، همکاران، جوامع و فرهنگ‌های مختلف آشنا شده و تعاملات درازمدت برقرار کنند. اخبار به سادگی در دسترس افراد قرار می‌گیرند و به سرعت باعث واکنش می‌شوند (سیاح طاهری و دیگران، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۴). طبیعتاً متناسب با رشد و پیشرفت فناوری‌های دیجیتال و ارتباطی، اشخاص سودجو به صورت سازمان‌یافته، با نیت و اغراض مشخص، اقدام به فعالیت‌های مخرب در رسانه‌ها و پیام‌رسان‌های تعاملی اجتماعی می‌کنند. این مسئله از جمله دلایلی است که کشورها با بینش‌های مختلف و جهان‌بینی متفاوت در عین توجه به مزایای فضای مجازی، اقدام به وضع مقرراتی کنند تا امنیت کاربران و حکومت خود را حفظ کنند.

شایعه‌پراکنی و تشویش اذهان از دیرباز به عنوان حربه‌ای مؤثر در تضعیف حکومت‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که با ارباب و یا دروغ‌گویی و تخریب ارکان و اشخاص یک حکومت، سرنوشت جنگ‌ها عوض شده و یا جامعه‌ای از حالت آرامش و رشد خود خارج و دچار تنش‌ها و آشوب‌های اجتماعی داخلی شده است. مرجفون در طول تاریخ باعث تحریف و ضربه زدن به امت اسلامی شده‌اند. سخنان بی‌پایه و اساس همیشه توسط دنیاپژوهان و افراد مستکبر به قصد سودجویی و زیاده‌طلبی در طول تاریخ وجود داشته و دارد. خداوند سبحان می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب: ۶۰)؛ «اگر منافقان و بیماردلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.» مرجفون طبق این آیه، کسانی هستند که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس را اشاعه می‌کنند.

از این رو، از نظر عقلی و شرعی مقابله با شایعه‌پراکنان امری عقلانی، واجب و قطعی است. با توجه به قطعی بودن لزوم مقابله جدی با شایعه‌پراکنان به ویژه در فضای مجازی، سوالی که به ذهن می‌رسد آن است که چنانچه کاربران، یاری‌رساننده

به شایعه‌پراکنی مرجفون باشند و نهادهای نظارتی که وظیفه مستقیم در رفع و دفع شایعات آسیب‌زا دارند در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند، می‌توان فعل (کاربران) و ترک فعل (نهادهای نظارتی) را جرم‌انگاری نمود؟ تحت کدام قاعده فقهی می‌توان مسئولیت نهادهای نظارتی و کاربران در فضای مجازی را ثابت کرد؟

۲) پیشینه پژوهش

محققان و نویسندگان در آثار خود به شایعه‌پراکنی و اثرات مخرب آن و نقش مرجفون در تحریف حقیقت توجه کرده‌اند. از جمله حسینی پنجمی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش مرجفون در فرآیند تحریف؛ به عنوان ناقل تهدیدات هیبریدی در محیط امنیتی (مطالعه موردی شیوع ویروس کرونا)» معتقد است تأمین امنیت و آسایش اجتماعی شهروندان وظیفه هر اجتماعی است. از این رو، هر آنچه که مخل امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد، باید به مقابله با آن پرداخت. بنابراین، شایعه‌پراکنی از جمله مهم‌ترین موارد تهدیدکننده برای هر اجتماعی است که باید نسبت به آن پیش‌بینی و پیش‌گیری‌های لازم انجام گیرد (حسینی پنجمی، ۱۴۰۰، ص ۳۵۹).

موسوی‌پور در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی روانشناختی شایعه و راهکارهای مواجهه با آن در قرآن کریم» بیان می‌کند شایعات دارای آثار و پیامدهایی هستند که روابط اجتماعی و سلامت جامعه را به مخاطره می‌اندازد. از این رو، مطابق توصیه قرآن کریم باید به دو روش پیشگیری و مقابله به دفع شایعات پرداخت (موسوی‌پور، ۱۴۰۲، ص ۱۶۱).

شایعه‌پراکنی، لزوم پیشگیری و راهکارهای مقابله با آن مورد توجه و بررسی پژوهشگران قرار گرفته است؛ لکن علاوه بر افرادی که به شایعه‌سازی می‌پردازند، برخی اشخاص حقیقی و حقوقی ممکن است با فعل (بازنشر شایعه) و یا ترک فعل خود (کوتاهی در دفع شایعه و عدم پاسخ‌گویی) موجب اشاعه شایعات و اثرات منفی آن در جامعه شوند. بنابراین، با تأملی عمیق و ژرف‌اندیشانه به مسئله و گره خوردن این امر با بحث امنیت ملی و عمومی جامعه، بررسی مسئولیت کاربران و نهادهای نظارتی در قبال شایعه‌سازان، امری لازم و ضروری است که کمتر مورد توجه پژوهشگران و قانون‌گذار قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت کاربران و نهادهای مختلف نسبت به شایعه‌پراکنی در فضای مجازی می‌پردازد و با تبیین و تحلیل آرای فقها و استفتاء از فقهای معاصر نسبت به مسائل مستحدثه مرتبط با موضوع مقاله، به نوآوری و ارائه پیشنهادات جهت سامان‌دهی و بهینه‌سازی استفاده از فضای مجازی مبادرت می‌کند.

۳) مفهوم‌شناسی

۳-۱) ارجاف (شایعه‌پراکنی)

رجف در لغت به معنی اضطراب و لرزش بسیار شدید است که در واقع برگرفته از آیه ۶ از سوره مبارکه نازعات می‌باشد؛ خداوند در این آیه از روز قیامت به عنوان روزی که جهان به لرزه می‌افتد یاد می‌کند («يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّجَافَةُ»). ارجاف از رجف به معنای ایجاد اضطراب شدید خواه به صورت لفظی و یا به صورت عملی (قول و فعل) است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۹).

ارجاف به معنای دروغ‌پراکنی و تولید نگرانی برای دیگران به واسطه نشر اخبار کذب جهت ضعیف ساختن قوای روحی و روحیه مسلمین است. این امر از جمله اموری است که در فقه اسلامی و شرع مقدس حکم حرمت بر آن بار می‌شود؛ به عنوان مثال شخصی با اطلاعات کذب و تصاویر غیرواقعی، خبر از حمله قریب‌الوقوع و اجتماع کفار علیه حکومت اسلامی دهد (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷۹). اصطلاح مرجفون در قرآن کریم نیز وارد شده است (احزاب: ۶۰)؛ از ماده «ارجاف»، به معنای اشاعه چیزهای باطل به منظور ایجاد هراس و غمگین ساختن دیگران است و اصل «ارجاف» به معنای اضطراب و تزلزل است، و از آن‌جا که شایعات باطل ایجاد اضطراب عمومی می‌کند، این واژه به آن اطلاق شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۱۷).

۳-۲) فضای مجازی

تعاریف گوناگونی از فضای مجازی ارائه شده است. از جمله این تعاریف آن است که «فضای مجازی، مفهومی برای توصیف مجموعه‌ای از شبکه‌ها و وسایل ارتباطی برای پردازش و داد و ستد اطلاعات و... می‌باشد.» نمی‌توان فضای مجازی را مترادف با اینترنت دانست؛ اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی است (سیاح طاهری و دیگران، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۰). فضای مجازی قلمرویی وسیع و بدون مرز است که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد، برای کاربران خود امکانات، آزادی‌ها، فرصت‌ها و آسیب‌هایی را به همراه دارد (شاه‌محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲). همین امر از جمله دلایلی است که هر کشوری نسبت به کاهش آسیب‌ها و مشکلاتی که ممکن است فضای مجازی داشته باشد، در عین توجه به مزایای آن اقدام به وضع مقرراتی کند تا امنیت کاربران و حکومت خود را حفظ کند (نادری، ایزدی‌فرد، زارعی، ۱۴۰۳، ص ۹۸).

۳-۳) قواعد فقهی مرتبط با پژوهش

با توجه به این که پژوهش حاضر مسئولیت نهادهای نظارتی و کاربران در قبال شایعه‌سازان را مورد بررسی قرار می‌دهد (نه خود شایعه‌پراکنی)، از این رو مطابق دو قاعده که عبارت‌اند از: قاعده حرمت اعانت بر اثم و قاعده نفی سیل، مسئولیت

کاربران و نهادهای نظارتی به اثبات رسیده و می‌توان مجازات مناسب را برای هر کدام از آن‌ها مبتنی بر قواعد مذکور در نظر گرفت. بنابراین، تعریف اجمالی این دو قاعده فقهی خالی از لطف نیست.

۱-۳-۳) قاعده اعانت بر اثم

اعانت، یاری و پشتیبانی غیر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۹۸). در فقه اسلامی، در تعریف معاونت و اعانت تعاریف متفاوتی وجود دارد. از جمله آمده؛ اعانت بر اثم کمک کردن به دیگری برای انجام محرمات است؛ مانند این که فروشنده‌ای انگور را به قصد تهیه شراب به دیگری بفروشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۴۸۱). امام خمینی (ره) اعانت بر اثم را مساعدت و پشتیبانی فاعل اثم به قصد ارتکاب امر حرام می‌داند و معتقد است که تحقق اعانت بر اثم منوط به انجام مقدمات توسط معین می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۴۱). برخی نیز معتقدند که اعانت در صورت وجود قصد، مترتب بر انجام دادن و اعمال برخی از مقدمات کار شخص دیگر است؛ خواه نتیجه در عالم خارج توسط مُعان تحقق یابد یا بنا بر دلایلی نتیجه واقع نشود (انصاری، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۶۸). مانند این که شخصی به دیگری میوه انگور را بفروشد تا از طریق آن نوشیدنی نامشروع (شراب انگور) تولید کند (در فرض علم و آگاهی). در این فرض اگر بنا به هر دلیلی خریدار نتواند از انگور شراب تهیه کند، به این دلیل که به لحاظ عقلی، شرعی و عرفی لزوم منع چنین بیعی وجود دارد، اعانت بر اثم تحقق پیدا می‌کند (انصاری، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۷۲).

۲-۳-۳) قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل از جمله قواعد کاربردی در علم فقه است که مستنبط از آیه ۱۴۱ از سوره مبارکه نساء می‌باشد: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ «و خداوند هیچ‌گاه هیچ راه سلطه‌ای برای کافران به (زیان) مؤمنان قرار نخواهد داد.»

مراد از قاعده «نفی سبیل» آن است که خداوند مقتدر و بلندمرتبه در شریعت، حکمی که به واسطه آن کافران تسلط و برتری بر مسلمانان بیابند قرار نداده است که موجب سلطه و برتری کافران بر مسلمانان شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۳). قاعده نفی سبیل از عمومیت برخوردار بوده و هرگونه سلطه و چیرگی کفار بر مسلمانان را در تمامی حوزه‌ها از قبیل مسائل سیاسی، نظامی، اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... نفی می‌کند. برخی از فقها معتقدند مقصود از نفی، نفی تشریعی است نه تکوینی؛ زیرا چنانچه شامل نفی تکوینی نیز می‌شد، باید در خارج هیچ‌گونه تسلطی برای کافران تحقق نمی‌یافت، حال آن که در برخی موارد مشاهده می‌شود کافران بر مؤمنان مسلط می‌شوند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۵۰). لکن به عقیده بعضی دیگر نظیر امام خمینی (ره)، این نفی اعم از نفی تشریعی و تکوینی (تسلط کافران بر مسلمانان) در همه ابعاد است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۲۲). و این نفی تشریعی و تکوینی با مواردی که کافران بر مسلمین

تسلط پیدا می کنند تناقض ندارد؛ چرا که مؤمنین تا زمانی که ملتزم به لوازم ایمان بوده و هراس و ترسی از رویارویی با کافران نداشته باشند، بر کافران غالب و چیره خواهند بود (طباطبایی، بی تا، ج ۵، ص ۱۱۶). همان طور که خداوند حکیم فرموده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ «شما هرگز سستی نکنید و از پیش آمدها و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد اندوهگین نشوید؛ زیرا شما برتر هستید اگر در ایمان ثابت قدم باشید.»

۴) بررسی مسائل مرتبط با شایعه پراکنی مجازی در قوانین موجود ایران

انتشار خبر کذب و اشاعه شایعات خلاف واقع در فضای مجازی به عنوان حربه ای جهت معطوف ساختن ذهن مردم جهان به یک جامعه و یا برهم زدن نظم و آرامش روانی شهروندان و تضعیف ساختن دولت - ملت ها، همواره در دستور کار سازمان ها و نهادهای وابسته به سیستم های جاسوسی قدرت های پושالی و دولت های مستکبر است. با توجه به دستورات الهی مبنی بر لزوم فحص و بررسی صحت اقوال و اخبار واصله، اشخاص باید قبل از انتشار یا باز نشر خبر از صحت آن اطلاع حاصل کرده و سعی در استفاده از منابع موثق نمایند.

انتشار اخبار کذب و نادرست در جامعه به قصد اختلال در نظم عمومی و تشویش اذهان دارای تبعات جزایی قانونی برای مرتکبین است و مقنن در این زمینه فرقی میان فضای حقیقی و فضای مجازی قائل نشده است؛ به نحوی که قانون گذار در ماده ۶۹۸ از قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) صراحتاً اشعار می دارد چنانچه شخصی به نحوی از انحاء به وسیله اوراق چاپی به قصد ضرر رساندن به دیگران و یا اختلال در نظم عمومی به واسطه تشویش اذهان، مطالب خلاف واقع و کذب را اظهار کند، مجرم بوده (جرم مطلق) و دو مجازات حبس و یا شلاق برای وی در نظر گرفته شده است. مقنن در قانون جرایم رایانه ای نیز صراحتاً این موضوع (انتشار خبر کذب) را در فضای مجازی جرم انگاری نموده و بیان کرده است چنانچه شخصی در فضای مجازی مطلب کذبی را منتشر یا در معرض و دسترس افراد دیگری قرار دهد (با فرض قصد نامشروع، ضرر رساندن به دیگران و یا تشویش جامعه)، خواه منجر به ضرر مالی یا روانی به دیگران شود یا نشود (به صورت مطلق) جرم انگاری شده و شخص به مجازات حبس یا جریمه مالی یا هر دو به مقداری که در ماده مذکور قید شده محکوم می شود.

حال سوالی که به ذهن می رسد آن است که آیا علاوه بر انتشار اخبار کذب، باز نشر آن در فضای مجازی جرم انگاری شده است؟ و علاوه بر مجازات منتشر کننده، کسی که به باز نشر مطالب کذب و دامن زدن به شایعات می پردازد مجازات می شود؟ همچنین شبیه دیگری که ممکن است وارد شود آن است که قانون گذار انتشار اخبار کذب را جرم انگاری کرده است و لفظ شایعه پراکنی (ارجاف) و سایر لغات متشابه با آن در قوانین موضوعه نیامده است.

پاسخ: عطف به ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه ای و مشخصاً وجود عبارت «نقل قول» در مفاد ماده مزبور، نشان دهنده آن است که باز نشر مطالب کذب دیگران (در فرض قصد) در حکم نشر مطالب کذب بوده و جرم انگاری شده است؛ بنابراین،

کسی که به باز نشر مطالب کذب و دامن زدن به شایعات می‌پردازد مجازات می‌شود. اما لفظ شایعه (ارجاف) و سایر لغات مشابه در قانون نیامده است؛ لکن با عنایت به معنای لغوی و اصطلاحی این واژگان می‌توان دریافت شایعه‌پراکنی و ارجاف به مراتب تبعات منفی بیشتری به لحاظ روانی برای جامعه ایجاد می‌کند. در حالی که در ماده مزبور لفظ «تشویش» آمده است، ارجاف ایجاد اضطراب بسیار شدید است؛ از این رو به طریق اولویت، چنانچه اشاعه خبر کذب به نحوی از انحاء موجبات تشویش اذهان شود جرم است، شایعه‌پراکنی که موجب اضطراب و تزلزل بسیار شدید در شهروندان جامعه اسلامی شود جرم خواهد بود.

با این حال، بهتر است ابهام‌زدایی از مواد قانونی موجود صورت پذیرد. از جمله اشکالات وارده به ماده ۶۹۸ از قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای، مشروط بودن جرم‌انگاری اشاعه و انتشار کذب به داشتن قصد (قصد نامشروع، ضرر رساندن به دیگران و یا تشویش جامعه) است که محل تأمل بوده و بهتر است بر اساس نوع عمل و اثرگذاری منفی آن بر روان جامعه مورد بازبینی قرار گیرد. از طرفی به دلالت ضمنی وجود لفظ «نقل قول»، باز نشر اخبار کذب می‌تواند برای مرتکب آن دارای تبعات جزایی باشد؛ لکن در این ماده اشاره‌ای به نهادهای نظارتی و وظیفه نهادهای مرتبطی که خبر کذب درباره آن‌ها بوده نشده است. حال آن که بهتر بود همانند مسائل مربوط به افشای اسرار و دسترسی به داده‌های محرمانه (ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای)، در مواد مذکور یا ماده مستقلی وظیفه نهادهای نظارتی و مرتبط با هر شایعه مشخص و مجازات متناسب در صورت ترک فعل تعیین می‌شد.

به عقیده نگارنده، مهم‌تر از قصد که به عنوان شرط لازم در جرم‌انگاری شایعه‌پراکنی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است، عنایت به عناصر دیگری چون عنصر موضوع، مکان و زمان وقوع شایعه است؛ چرا که نقشی اساسی در شدت و ضعف تأثیر آن شایعه خواهد گذاشت. در برخی از آیات قرآن کریم که نسبت به شایعه‌پراکنی و عواقب آن انداز شده، به اهمیت موضوع و بعد زمان به عنوان عوامل تأثیرگذار در شایعه‌پراکنی اشاره شده است. به عنوان نمونه در آیه ۱۷۳ از سوره مبارکه آل عمران، بعد زمان و مکان در اثرگذاری شایعه‌پراکنی کاملاً مشهود است که برخی از منافقان و مزدوران دشمن در زمان نبرد برای مغلوبه کردن سپاه اسلام، از حربه ترساندن جامعه از دشمن و سایه جنگ استفاده می‌کردند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» (آل عمران: ۱۷۳)؛ «همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده‌اند، از آنان بترسید».

اهمیت موضوع در تأثیرگذاری شایعه‌پراکنی از آیه ۱۱ سوره مبارکه نور به خوبی نمایان می‌شود. در این آیه شریفه حرمت پخش شایعه جنسی بین مؤمنان تأکید شده است: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱).

با وجود اشکالات مورد اشاره، رجوع به قواعد فقهی راهگشا بوده و می‌تواند کمک‌حال قانون و قانون‌گذار باشد. از جمله قواعدی که می‌توانند مسئولیت کاربران و نهادهای نظارتی را در مسئله دامن زدن به شایعات به اثبات رسانند، قاعده «حرمت اعانت بر اثم» و قاعده «نفی سیل» هستند. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد آن است که با برقراری پیوند میان قواعد فقهی مذکور و کاربران و نهادهای نظارتی، مسئولیت آن‌ها را در برخی از موارد تشریح نماید.

۵) بررسی مسئولیت کاربران در قبال شایعه‌پراکنی مرجفون

کنش‌ها و واکنش‌های بشری اعم از فضای حقیقی و فضای سایبر با فرض سلامت عقل و روان آن‌ها دارای تبعات مثبت و منفی است. علاوه بر ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای که بر اساس آن باز نشر مطالب کذب دیگران در حکم انتشار آن بوده و جرم‌انگاری شده است، بررسی فقهی مسئله می‌تواند ابهامات در چرایی جرم‌انگاری این مسئله را از بین ببرد و یا کاهش دهد و در مواردی جرم‌انگاری اعانت به شایعه‌سازان را ثابت نماید. دلایل عقلی و نقلی فراوانی جهت مقابله با نشر و باز نشر مطالب خلاف واقع و شایعه‌پراکنی در جامعه وجود دارد که برخی از آن‌ها به اختصار تشریح می‌شود.

مهم‌ترین دلیل برای پیگیری جزایی افرادی که با باز نشر شایعات به خواسته و هدف شایعه‌سازان کمک می‌کنند، اهمیت لزوم وجود آسایش و امنیت روانی جامعه است. مفهوم امنیت مورد تأکید شرع و شارع حکیم قرار گرفته و مطابق روایات، از مهم‌ترین نعمت‌ها برای بشر در عالم خارج است که البته در بسیاری از موارد مورد تغافل جامعه انسانی قرار می‌گیرد تا زمانی که به ناامنی و سلب آسایش گرفتار شوند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳). چنان‌که رسول‌الله (ص) فرموده است: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۴).

اهمیت امنیت روانی جامعه اسلامی و لزوم برخورد با مرجفون و شایعه‌سازان به قدری روشن و حساس بوده که خداوند حکیم در صورت تکرار شایعه‌سازی، دستور به تنبیه شایعه‌سازان و طرد آنان از جامعه (تبعید) و پس از آن قتل و اعدام آن‌ها می‌دهد: «لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب: ۶۰)؛ «وَقَتُلُوا تَقْتِيلًا» (احزاب: ۶۱). با توجه به آیات مذکور، لزوم جدیت در برخورد با آمرین و عاملین بر هم زدن امنیت روانی جامعه به وسیله شیوع اخبار کذب و شایعات نمایان می‌شود.

اما دلیل دیگر خصوص لزوم برخورد با اعانت‌کنندگان و دامن‌زندگان به شایعات، وظیفه‌ای است که خداوند متعال نسبت به آن هشدار داده که عبارت است از اهمیت فحص و جست‌وجو از صحت خبر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶)؛ «مؤمنان باید زمانی که فاسقی خبری برایتان آورد فحص و بررسی کنید، تا از روی جهالت به قومی رنجی نرسانید و سخت از کار خود پشیمان نگردید.»

امروزه تمحیض و تشخیص اخبار، اطلاعات و داده‌های درست از غلط کار آسانی نیست. دشمنان جامعه اسلامی و رسانه‌های وابسته به آن‌ها با وارونه جلوه دادن وضعیت سیاسی و نظامی، استفاده از تصاویر و اطلاعات کذب، در صدد تشویش

اذهان و هراساندن جامعه از اوضاع اقتصادی، سیاسی و نظامی نظام اسلامی هستند. در این زمان باید با دقت و ژرف‌اندیشی بیشتری نسبت به زمان‌های دیگر اخبار واصله را پیگیری کرد و به بررسی نسبت به آن پرداخت تا مبادا با دامن زدن به شایعات و تبعات منفی‌ای که ناگزیر به همراه دارد، سخت از کار خود پشیمان شد.

تنبيه یکی از روش‌های تربیتی برای اصلاح فرد و جامعه است و اعمال آن در برخی از موارد ناگزیر و ضروری است. برخورد با اراذل و اوباش و منافقانی که با شایعه‌پراکنی موجب اختلال و تشویش اذهان جامعه می‌شوند مورد تأکید رسول خدا (ص) بود و ایشان به شدیدترین وجوه با چنین افرادی برخورد می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۳۳). دلایل متعددی برای مقابله با مرجفون و اعانت‌کنندگان آن‌ها که با باز نشر شایعات به آن‌ها یاری می‌رسانند وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره شد. به عقیده نویسنده و با عنایت به موارد گفته شده، چهار مورد از مواردی که در لزوم برخورد با این قبیل افراد لازم است عبارت‌اند از:

۱. اهمیت امنیت و آسایش روانی جامعه؛

۲. اهمیت فحوص و جست‌وجوی خبر؛

۳. اهمیت تنبيه برای جریحه‌دار نشدن اذهان جامعه؛

۴. اهمیت بازدارندگی مجازات جهت عدم تکرار این امر.

پس از بررسی اجمالی دلایل و عوامل لزوم برخورد با برهم‌زدندگان نظم و امنیت جامعه به واسطه انتشار و باز نشر مطالب خلاف واقع که موجب تشویش، اضطراب و ناامنی اجتماع می‌شوند، بررسی مستند و قاعده‌ای که مبتنی بر آن جرم‌انگاری و مجازات لازم را بر مسببین ناامنی جامعه (آمرین و عاملین و یاری‌دهندگان آن‌ها) وضع نمود لازم و ضروری است. به عقیده نگارنده قاعده‌ای که می‌توان بر اساس آن باز نشر مطالب مرجفون و شایعه‌پراکنان را در فضای مجازی به صورت مطلق (بر خلاف ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای) تحت تعقیب قرار داد، قاعده اعانت بر اثم است.

در بحث پیوند بین مرجفون و قاعده اعانت بر اثم برای اثبات مسئولیت کاربران در قبال شایعه‌پراکنی مرجفون می‌توان گفت کسانی که بدون تحقیق و بررسی اخبار، به نشر و باز نشر آن در فضای حقیقی و فضای مجازی مبادرت نموده، هراس، اضطراب و التهاب جامعه را تشدید می‌کنند، مطلقاً بر اساس قاعده اعانت بر اثم مسئولیت دارند؛ چرا که اگر باز نشر مطالب کذب با قصد انجام شود (عالمأ و عامداً)، شریک جرم مرجفون بوده و در صورت عدم قصد، معین بر اثم خواهند بود؛ چون به عقیده برخی از فقها در اعانت بر اثم ملاک صدق عرفی عنوان اعانت است و قصد یا علم نسبت به مقدمه قریب شرط نیست.

به عقیده شیخ انصاری، گوینده کلام کذب زمانی کاذب بوده و عمل او حرام است که علم به کذب کلام و اراده برای نشر آن داشته باشد. بنابراین، در صورت عدم قصد و اراده متکلم بر جاری ساختن سخن کذب، عمل او از مصادیق کذب

محسوب نمی‌شود. البته ایشان در ادامه بر اساس اخبار وارده در روایات و عموم ادله، احتمال قریب به حرمت (در صورت قصد و عدم قصد) را تقویت کرده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۹۶). از جمله ادله روایی مورد ادعا، حدیثی از رسول خدا (ص) است که به سه دسته از افراد وعده خانه‌ای از خانه‌های بهشت داده شده که یکی از آن‌ها ترک کننده کذب است، اگر چه قصدی نداشته باشد و آن را اراده نکرده باشد (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۴).

شایان توجه است که در این زمینه میان فقهای معاصر اختلاف نظر وجود دارد و برخی از آن‌ها عنصر علم و قصد را در بازنشر مطالب کذب دیگران دخیل می‌دانند؛ از جمله مکارم شیرازی که معتقد است «در صورتی که عالماً و عامداً نباشد مصداق اعانت نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲/۳/۲۰). در مقابل، به نظر نوری همدانی «نشر مطالب بدون تحقیق و تفحص اگر مصداق نشر اکاذیب باشد جایز نیست» (نوری همدانی، ۱۴۰۲/۳/۱۹). به عقیده علوی بروجردی «به طور کلی انتشار خبری که احتمال کذب آن داده می‌شود و یا تهمت و افتراء به مسلمانی باشد جایز نیست» (علوی بروجردی، ۱۴۰۲/۴/۱۲).

به نظر می‌رسد با توجه به موضوع مطروحه، بدون تردید بازنشر اخبار کذب در فضای مجازی بدون تحقیق، مصداق نشر اکاذیب محسوب می‌شود؛ هرچند که لازم است مصداق کذب بودن یک خبر را مراجع ذیصلاح تشخیص دهند. در ما نحن فیه، اگر بازنشر مطالب کذب با قصد انجام شود (عالماً و عامداً)، شریک جرم مرجفون بوده و در صورت عدم قصد، معین بر اثم خواهند بود؛ چون در اعانت بر اثم ملاک صدق عرفی عنوان اعانت است و قصد یا علم نسبت به مقدمه قریب شرط نیست. با این حال به نظر می‌رسد قول به تفصیل بین مصادیق مختلف، بهترین راه حل باشد که متأسفانه در قوانین به آن توجه نشده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مشروط ساختن جرم انتشار اکاذیب به قصد به صورت مطلق در مواد قانونی (قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای) می‌تواند محل خدشه باشد و چنانچه در موارد و مصادیق مختلف بر اساس ضوابطی متقن بین موارد مختلف قائل به تفکیک و تفصیل شد، بر بازدهی مطلوب و مؤثر مواد قانونی گفته شده اثرگذار خواهد بود.

برخی از ضوابط پیشنهادی نویسنده عبارت‌اند از:

۱. تفاوت بین انتشار در محیطی عمومی از فضای سایبر و یا در صفحه شخصی: خبر کذب و شایعه‌پراکنی

در فضای مجازی در محیطی عمومی و در معرض دید همگان منتشر شود یا در محیط خصوصی و فقط برای دنبال کنندگان مشخص و معدودی از کاربران. بر اساس این ضابطه، چنانچه در محیط عمومی بازنشر اتفاق افتد، فرد مسئولیت دارد. اصل عدم تجسس در بواطن امور و کفایت ظواهر حال اشخاص ناظر بر این مدعاست (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۳۰۹). بنابراین چنانچه گناه به صورت علنی و در انظار عموم انجام شود، به این خاطر که عواقب منفی برای جامعه دارد و ضرر گناه تنها متوجه خود فرد معصیت کننده نیست، بلکه در بسیاری از موارد دامن سایر افراد جامعه را نیز می‌گیرد، نیازمند برخورد و اعمال

قانون جهت عدم لطمه جدی به جامعه و عدم تکرار آن جرم است و دیگر بحث عدم تجسس در محیط عمومی اعم از فضای مجازی و حقیقی محلی از اعراب نخواهد داشت (مصباح یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۳).

۲. **تعداد افرادی که می‌توانند به آن پیام دسترسی پیدا کنند:** به طوری که اگر بازنشرکننده که خود از موثق بودن داده ارسالی اطمینان و یقین ندارد، احتمال دهد افرادی که این پیام را می‌بینند ممکن است برای دیگران ارسال کنند و آن محتوا به صورت همگانی شایع شود، باید جانب احتیاط را رعایت کرده و از ارسال پیام تا زمان اطمینان از صحت آن اجتناب نماید. در غیر این صورت به دلیل اهمال و کوتاهی و عدم رعایت احتیاط می‌تواند مسئولیت داشته باشد.

۳. **بازنشر محتوای خلاف واقع و همراهی با شایعه‌سازان توسط چه کسانی با چه میزان مخاطب صورت می‌گیرد (افراد مشهور و غیرمشهور):** به تبع، هرچه میزان شهرت اشخاص بیشتر و میزان اثرگذاری آن‌ها در اجتماع بالاتر باشد، برخورد با آن‌ها باید به مراتب سخت‌تر باشد.

۴. **تکرار کردن و عدم تکرار:** این که شخصی پس از بار اولی که مرتکب چنین کاری شد (بازنشر مطالب خلاف واقع) و به کذب و شایعه بودن خبر واقف شد مجدداً آن را تکرار کند. یقیناً این مسئله می‌تواند قرینه بر قصد (نامشروع) این شخص باشد و البته مطابق نص صریح قرآن در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب، در صورت تکرار شایعه‌پراکنی، مرجفون مستحق مجازات هستند.

۵. **بازنشر با قصد یا بدون قصد باشد:** پنجمین ضابطه (لزوم وجود قصد یا عدم لزوم آن) محل بحث است. چنانکه در قانون مطلقاً وجود قصد لازم و ضروری بوده و در فرض قصد، انتشار و بازنشر اخبار و اطلاعات کذب جرم‌انگاری شده است؛ اما مدخلیت قصد در ما نحن فیه، خصوصاً با امر و توصیه شارع بر لزوم فحص و بررسی اخبار، تفکر و اندیشیدن قبل از انجام امور، به ویژه در مواردی که در تعارض با امنیت ملی و قوام جامعه قرار گیرد محل تأمل است. از طرفی مسئولیت کاربران نسبت به بازنشر مطالب خلاف واقع دیگران می‌تواند بر اساس قاعده اعانت بر اثم ثابت شود و در تحقق قاعده مذکور لزوم وجود قصد محل بحث و اختلاف فقها است. در ادامه با توجه به نکات گفته شده، ضابطه قصد در تحقق قاعده اعانت بر اثم به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶) بررسی ضابطه قصد در تحقق قاعده اعانت بر اثم

اعانت امری عرفی است و در مشروط بودن صدق اعانت بر قصد، میان فقها اختلاف است. برخی از فقها نظیر مکارم شیرازی معتقدند اعانت امری عرفی است؛ بنابراین امکان صدق اعانت بر اثم بدون قصد وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۵۸). از این رو، اگر شخصی وظیفه کسب اطلاع از موقعیت راهبردی دشمن و به دست آوردن اطلاعات از آن‌ها را دارد، در مسئولیت خود کوتاهی کند، به دشمنان اسلام و مسلمین یاری و اعانت رسانده؛ در نتیجه در اینجا عرف بر قصد غلبه داشته

و قصد معتبر نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۵۸). مطابق این دیدگاه، شخصی که بدون بررسی و اطلاع از صحت و سقم خبر، مطلب منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر دهد و موجب تضعیف حکومت اسلامی یا افتراء و انتشار اکاذیب شود، معین بر اثم خواهد بود؛ اگرچه که قصد تضعیف حکومت اسلامی را نداشته باشد. و یا چه بسا شخصی قصد اشاعه فحشاء، ترویج گناه، اعانت و تقویت آثم را نداشته باشد، اما کاری که انجام می‌دهد تقویت و کمک به فرد خاطی و گناهکار باشد (ایزدی فرد، نادری، زارعی، ۱۴۰۳، ص ۴۳). مثل این که برخی از کانال‌ها و گروه‌های مجازی برای اعتراض به هنجارشکنی عده قلیلی از افراد در جامعه اسلامی و عدم رعایت مرّ قانون و احکام شرعی در زمینه حجاب، تصاویر و فیلم‌هایی از خانم‌های بی حجاب را منعکس کنند؛ این کار از مصادیق اشاعه فحشاء، تبلیغ و تقویت این عده قلیل بوده و در حالی که ممکن بود عده معدودی قبح‌شکنی آن‌ها را مشاهده کرده باشند، با انتشار آن میلیون‌ها نفر تصویر بدون حجاب آن خانم را ملاحظه می‌کنند. به عقیده برخی از فقها انعکاس و قرار دادن این تصاویر و فیلم‌ها جایز نیست و باید ترک شود (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲/۵/۱۹؛ علوی بروجردی، ۱۴۰۲/۵/۲۰). دوزدوزانی تبریزی معتقد است «موارد فرق می‌کند ولی نوعاً اشاعه فحشا بوده، اشکال دارد» (دوزدوزانی تبریزی، ۱۴۰۲/۵/۲۲). این در حالی است که اگر صرفاً به قصد اشخاص حقیقی و حقوقی توجه می‌شد، با توجه به این که قصد اشاعه فحشاء نسبت به فرض مذکور در کار نبود، نباید اشکالی بر این عمل مترتب شده و اعانت بر اثم نسبت به عمل مذکور تحقق پیدا نمی‌کرد.

در مقابل، برخی نظیر شیخ انصاری قائل به اعتبار قصد در صدق عنوان اعانت شده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۶۸). از این رو، مطابق نظر این گروه اگر شخصی برنامه‌ای در فضای مجازی تولید کرده که دارای مجوز قانونی و شرعی بوده، اشکالی بر آن مترتب نیست؛ حتی اگر احتمال گناه اشخاص در آن بستر را بدهد و اثم در آن فضا واقع شود، به دلیل فقدان قصد، گناهی بر وی نخواهد بود (ایزدی فرد، نادری، زارعی، ۱۴۰۳، ص ۴۴).

البته دسته‌ای دیگر از فقها عقیده دارند چنانچه معین قصد اعانت داشته باشد، لزوماً به معنای تحقق اعانت بر اثم نیست؛ بلکه در صدق عنوان اعانت، علاوه بر قصد معین، وقوع عمل از سوی مُعان‌له دخالت دارد و در واقع تحقق عمل از سوی هر کدام نباشد، اعانت نیست (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۴۱). مطابق این دیدگاه اگر شخصی دیگری را به ایجاد درگاهی در فضای مجازی جهت کلاهبرداری تشویق و پیوندی را نیز برای مبادرت به آن در اختیارش قرار دهد، اما شخص معان از ارتکاب آن منصرف شود، اعانت نخواهد بود (ایزدی فرد، نادری، زارعی، ۱۴۰۳، ص ۴۴).

به نظر می‌رسد بازنشر مطالب کذب و خلاف واقع مرجفون پس از مرتبه اول و پس از آگاهی نسبت به این که آن داده و خبری که بازنشر شده تحریف شده و حقیقت نداشته، از مصادیق قاعده اعانت بر اثم است و لزوم وجود قصد مدخلیتی در حکم نداشته باشد؛ چرا که اولاً شخص با بازنشر اطلاعات کذب مرجفون، شایعه‌سازان را در رسیدن به اهداف خود یاری می‌کند و با بازنشر آن اخبار (دروغ)، آنان را تشویق به ادامه این کار و تبلیغ علیه نظام اسلامی یا سایر مقاصد نامشروع

شایعه‌سازان می‌نمایند و ثانیاً تکرار این عمل (بازنشر مطالب خلاف واقع) قرینه‌ای بر وجود قصد نامشروع از جانب کسی است که آن اطلاعات و داده‌های خلاف واقع را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارد؛ زیرا بازنشر محتوای خلاف واقع آثم، این انگیزه را به او می‌دهد که مجدداً آن کار را تکرار نماید و البته در برخی از موارد باعث می‌شود هدفی که از پیام اشتراک‌گذاری شده دنبال می‌شود با سهولت و آسانی به مقصد برسد؛ مثل پیامی که شخصی جهت برهم زدن نظم عمومی جامعه با نشر اکاذیب در صفحه شخصی خود ارائه می‌دهد و دیگران با پسند کردن (Like) و دادن نظرات موافق و یا بازنشر آن، سبب تقویت معان می‌شوند.

شیخ طوسی در کتاب *المبسوط* نسبت به ارجاف و شایعه‌پراکنی و معاونت مشرکین، چنین افراد را شایسته حضور در سپاه اسلام نمی‌داند و معتقد است باید او را از همراهی در جنگ منع کرد؛ چرا که با کلام خود به سست کردن اراده رزمندگان دست زده و سپاه دشمن را تقویت می‌کند؛ مثل این که می‌گوید بهتر است بازگردیم زیرا نه توان مقابله با دشمن را داریم و نه توان مقاومت و ثبات قدم نسبت به آنان را داریم و یا به دروغ خبر از کمین دشمن یا رسیدن امداد و پشتیبانی به آن‌ها را می‌دهد (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۷). در اینجا شیخ به صورت مطلق، ارجاف و شایعه‌پراکنی به نفع دشمن را معاونت آن‌ها دانسته و مطلقاً معتقد به منع حضور این افراد در نبرد با دشمن است.

۷) بررسی مسئولیت نهادهای نظارتی در قبال شایعه‌پراکنی مرجفون

نهادهای ذی‌ربط در جامعه اسلامی به طرق مختلف وظایفی نسبت به دفع شایعات و برخورد با شایعه‌سازان دارند. به عنوان نمونه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور ذاتی وظیفه اعطای مجوز و نظارت بر حسن اجرای قانون و شرع را نسبت به محتوای ارائه شده در نشریات، خبرگزاری‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و... بر عهده دارد. چه بسا از طریق یک بازی رایانه‌ای که مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دارا می‌باشد، شایعه‌ای شیوع و گسترش یابد و این امر در اثر تساهل و عدم نظارت دقیق و مستمر نهاد مذکور باشد. در مقابل، ممکن است یک‌سری از نهادها که وظیفه مستقیم دفع شایعات را ندارند، به طور غیرمستقیم مرتبط شوند؛ به نحوی که چنانچه شایعه‌پراکنی نسبت به یک نهاد مشخص صورت می‌گیرد، آگاهی‌بخشی و تنویر افکار عمومی با ارائه حقایق و دفع شایعه بیان شده توسط مرجفون بر عهده آن نهاد بوده و باید از ملتهب شدن فضا جلوگیری کند.

در قانون صراحتاً نسبت به مسئولیت نهادهای مختلف در مقابله و مواجهه با پدیده زیان‌بار شایعه‌پراکنی و شایعه‌سازان سخنی به میان نیامده است و این امر از خلاءهای قانونی است که باید با اضافه نمودن بندی در ماده ۲۱۸ از قانون جرائم رایانه‌ای یا ماده‌ای مستقل بدان توجه شود. با این وجود، با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۶۷)، در موارد سکوت قانون و یا نقص قوانین موضوعه، رجوع به فتاوا و منابع معتبر فقهی راهگشا خواهد بود. بنابراین چنانچه نهادی در

مواجهه با شایعه‌سازی مرجفون اهمال و کوتاهی کرده و به سهم خود موجبات افزایش ناهنجاری‌ها و سلب آسایش و امنیت جامعه را فراهم آورد، مسئولیت خواهد داشت و مسئولیت آن نهاد منبعث و نشأت گرفته از قاعده فقهی اعانت بر اثم و در برخی از موارد ناشی از قاعده قرآنی و فقهی نفی سبیل خواهد بود که در ادامه این مسئله بررسی می‌شود.

در بحث پیوند بین مرجفون و وظیفه نهادهای مختلف و نهادهای نظارتی در دفع توطئه‌های شایعه‌سازان مبتنی بر قاعده اعانت بر اثم می‌توان گفت کسانی که وظیفه مستقیم مقابله با شایعه‌پراکنی مرجفون را دارند، در صورت ترک وظیفه شرعی و قانونی خود موجب کمک به دشمنان امت اسلامی می‌شوند.

توضیح مطلب آن که چنانچه شخصی بدون بررسی خبر و اطلاع از صحت آن، مطلب کذب منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر دهد و حسب مورد موجب تضعیف حکومت اسلامی یا افتراء و بازنشر اکاذیب شود و این امر به خاطر کوتاهی مسئولین و نهادهای ذی‌ربط نسبت به مدیریت این پدیده باشد، آیا کوتاهی آن‌ها مشمول اعانت بر اثم می‌شود؟ مکارم شیرازی در پاسخ به این سوال معتقد است «برابر مقررات، بررسی و تشخیص با مراجع ذی‌صلاح است» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲/۳/۲۰). شایان ذکر است در پاسخ به پرسش مطروحه، مقام معظم رهبری معتقدند «موارد دارای اختلاف است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۳/۱۹).

به عقیده نگارنده به طور کلی صدق عنوان اعانت بر اثم در مصادیق مختلف می‌تواند احکام متفاوتی داشته باشد و این از تفصیل بین مقدمات قریب و بعید دخیل در وقوع اثم نشأت می‌گیرد؛ چرا که در برخی از موارد ممکن است علم به موضوع در حمل عنوان و حکم اعانت بر اثم مؤثر واقع شود و جهل پذیرفته شود. به عنوان نمونه چنانچه نهادی که مجوز فعالیت برنامه‌ای را تجویز می‌کند و بر حسن اجرای ضوابط شرعی و قانونی در آن نظارت دارد، با توجه به این که نسبت به سازنده بازی و کاربران مقدمه بعید بوده و از همه زوایا و منافذ آن بستر و درگاه مطلع نیست، ادعای عدم علم نسبت به وقوع اثم داشته باشد، در آن صورت ادعای عدم علم از سوی آن نهاد پذیرفته خواهد بود. در مقابل، در مثال مذکور ادعای جهل از سوی سازنده با توجه به وظیفه مستقیم در نظارت بر تولید خویش و همچنین در دست داشتن مدیریت مطلق آن برنامه قابل قبول نیست؛ مگر آن که عدم علم توسط وی اثبات شود.

در مانحن‌فیه، نهادهایی که وظیفه دفع اخبار کذب شایعه‌پراکنان را دارند، ادعای جهل از آن‌ها پذیرفته نخواهد بود؛ زیرا نسبت به کاربرانی که اخبار کذب مرجفین را بازنشر می‌کنند مقدمه قریب هستند مگر آن که عدم علم را اثبات کنند. در این فرض، نهادی که بر حسن انجام وظیفه سازمان‌های مذکور نظارت دارد، در صورت ادعا بر عدم علم، قولش پذیرفته خواهد بود؛ به همان دلیلی که گفته شد (یعنی تفاوت مقدمات قریب و بعید در قصد و علم به وقوع اثم).

دلیل بر مدعای نگارنده آن است که اگر در مقدمات قریب شرط علم و قصد را لازم بدانیم، با ادعای افراد بر عدم علم و ادعای جهلشان و قبول آن، دیگر محلی برای اجرای قاعده اعانت بر اثم نمی‌ماند و جعل این قاعده بی‌معنا خواهد بود. اما

عکس این قضیه در مورد مقدمات بعید و ابعد صادق است؛ به گونه‌ای که اگر در مقدمات بعید، قصد و عدم علم شرط نباشد، نسبت به بسیاری از امور اعانت بر اثم صدق می‌کند که موجبات هرج و مرج در امرار معاش و امورات شهروندان در جامعه را فراهم می‌آورد. بنابراین، صدق عنوان اعانت بر اثم امری نسبی و عرفی است که بر حسب موارد مختلف و با توجه به مقدمات قریب و بعید حاصل خواهد شد.

بنابراین، مسئولیت نهادهای نظارتی نسبت به شایعه‌پراکنی مرجفون بر اساس قاعده اعانت بر اثم ثابت می‌شود؛ لکن با توجه به این که در فضای مجازی در اغلب اوقات انتشار و گسترش شایعات در بستری خارج از مدیریت نهادهای نظارتی داخلی و در پیام‌رسان‌های خارجی صورت می‌گیرد و تحت اشراف مدیریتی نهادهای ذی‌ربط داخلی نخواهد بود، کوتاهی و تساهل عمدی نهادهای مختلف می‌تواند بر اساس قاعده نفی سبیل مورد پیگیری و بازخواست قرار گیرد.

به طور کلی از دو حیث، مسئولیت نهادهای مختلف نسبت به مرجفون قابل بررسی است که عبارت‌اند از:

۱. **مدیریت پیام‌رسان‌ها و برنامه‌های داخلی:** که به واسطه قاعده اعانت بر اثم مسئولیت نهادهای نظارتی به اثبات می‌رسد (پیش‌تر این مورد بررسی شد). لکن در تطبیق مسئله با فضای مجازی می‌توان سوالی را بدین صورت مطرح نمود که اگر شخص حقیقی یا حقوقی، بازی رایانه‌ای را تولید و در این بازی قابلیت گفت‌وگو بین کاربران را فعال نماید، اما قابلیت حذف پیام‌های مخالف اخلاق و شرع در آن تعبیه نشده و کاربری به دیگران توهین کند یا این که با ارسال پیام حاوی شایعه موجب تشویش اذهان سایر کاربران شود، نهادی که مجوز لازم را برای سازنده بازی تجویز نمود، در صورت کوتاهی در نظارت بر حسن اجرای بازی به دلیل تقویت معان در ارتکاب فعل حرام، معین بر اثم است؟

پیش از آن که مسئولیت نهاد نظارتی در فرض اخیر بررسی شود، باید وظیفه سازنده آن بازی مشخص و تعیین گردد؛ چرا که در اعانت بر اثم جایگاه مقدمات (قریب و بعید) در ایجاد مسئولیت و تحقق اعانت مؤثر است.

دوزدوزانی تبریزی معتقد است «مورد از موارد اعانه بر اثم نیست و گناه بر عهده کسی است که مرتکب آن شده است» (دوزدوزانی تبریزی، ۱۴۰۲/۳/۷). بنابراین، سازنده محتوا و نهاد ناظر بر رفتار تولیدکننده محتوا مسئول نبوده و اعانت بر اثم نسبت به ترک فعل هیچ کدام محقق نمی‌شود. به عقیده مکارم شیرازی «چنانچه کاری بر خلاف قوانین نباشد مسئولیتی متوجه شخص نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲/۳/۱۸).

در فرض سوال، بی‌مبالاتی و عدم نظارت مدیر و سازنده برنامه از مصادیق عمل خلاف قانون بوده؛ از این رو، چنانچه کاری بر خلاف قوانین باشد، مسئولیت متوجه آن شخص می‌شود و معین بر اثم خواهد بود. در توضیح مسئله باید گفت؛ اولاً باید توجه داشت مطابق تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای، منظور از مدیر «کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد».

عطف به ماده ۲۱ قانون جرائم رایانه‌ای، ارائه‌دهندگان محتوا و خدمات بنا بر مقررات و ضوابط موظف هستند محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌رود را پالایش (فیلتر) کنند. در صورتی که عمداً از پالایش محتوای مجرمانه خودداری کنند انحلال خواهند یافت و چنانچه بنا بر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، ابتداء به ساکن و تا دو مرحله جریمه نقدی شده و در مرتبه سوم مجازات تعطیلی موقت تا حداکثر سه سال در نظر گرفته شده است.

نکته دیگر آن است که در فرض مذکور دو گناه وجود دارد نه یک گناه. یک گناه، توهین و قذف کاربران است که توسط کاربر متخلف صورت پذیرفته است و گناه دیگر، ترک فعل و اعانت بر اثم است که مستند به اطلاق آیات، روایات و حرمت اضرار به غیر، حرام بوده و توسط سازنده بازی صورت می‌پذیرد. بنابراین، هر کدام از این دو شخص، وزر و سنگینی گناه خود را به دوش خواهد کشید.

شایان ذکر است به نظر علوی بروجردی اگر در تولید بازی، توجه به اموری که ممکن است خلاف شرع باشد پیش‌بینی نشده و امکان حذف آن فراهم نشده باشد، اگر خلاف شرعی در آن صورت گیرد تولیدکننده هم در آن سهم دارد (علوی بروجردی، ۱۴۰۲/۳/۳)؛ در نتیجه اعانت بر اثم نسبت به کوتاهی او محقق می‌شود.

اما نسبت به سوال مطرح شده، علوی بروجردی معتقد است «نهاد صادرکننده مجوز هم عیناً همین مسئولیت شرعی را در قبال امور غیرمشروع در آن برنامه و بازی دارا می‌باشد» (علوی بروجردی، ۱۴۰۲/۳/۳)؛ لکن به عقیده نگارنده، باید قصد و علم آن نهاد مورد بررسی قرار گیرد و در صورت وجود علم و قصد، از مصادیق اعانت بر اثم است.

۲. استفاده و مدیریت پیام‌رسان‌های خارجی: در عصر حاضر، پیام‌رسان‌های مختلفی در سطح جهانی معرفی

شده و به صورت فراگیر در اختیار جوامع بشری با ملیت‌های متفاوت قرار می‌گیرد. فروض قسمت قبل در ارتباط با پیام‌رسان‌های داخلی بود؛ اما نسبت به پیام‌رسان‌های خارجی که دارای سرویس‌دهنده‌ای (Server) غیربومی است، باید بین استفاده، مدیریت و نظارت آن قائل به تفصیل شد. از این رو، این دو مورد به صورت مجزا باید مورد بررسی قرار گیرد. امروزه پیام‌رسان‌های بین‌المللی که وابستگی آن‌ها به سیاست‌ها و منافع برخی از دولت‌های مستکبر بر کسی پوشیده نیست، به ابزاری جهت بهره‌مندی این دولت‌ها در پیشبرد اهداف نامشروع خویش در ضربه زدن به سایر دولت‌ها به بهانه‌های مختلف تبدیل شده است. به عنوان مثال در پیام‌رسانی مثل اینستاگرام (Instagram)، استفاده از تصویر و یا اسم سپهد شهید قاسم سلیمانی به عنوان فردی که در میدان جهاد و ایثار جان خود را در راه مبارزه با تروریسم سازمان‌یافته تقدیم (آرامش) جهانیان کرد، ممیزی و حذف (سانسور) می‌شود و به کاربران هشدار نقض قوانین داده شده و حساب کاربری آن‌ها مسدود می‌شود (farsnews.ir، ۱۳۹۸/۲/۱۰) و یا در ویرتین این شبکه و پیام‌رسان اجتماعی جهانی، با وجود توجه جامعه بین‌المللی و مردم جهان به مسئله فلسطین و جنایات غیرانسانی رژیم ددمنش و کودک‌کش صهیونیستی، آثار مرتبط با آن به دلایل واهی قرار

نمی‌گیرد و در عوض، سبک زندگی مبتذل، سرگرمی‌های پوچ و فسادهای اخلاقی به نمایش گذاشته می‌شود. رفتارهای متناقض این پیام‌رسان‌های وابسته و سایر ابزارهای دیجیتال و فناوریانه ارتباطی دولت‌های مستکبر زمانی آشکارتر می‌شود که وقتی جامعه اسلامی به دلایل مختلفی دچار تنش می‌شود، تمام امکانات خود را جهت ملتهب کردن اوضاع به کار می‌گیرند؛ لکن وقتی دولت‌های مستبد دچار تنش داخلی می‌شوند، تمام امکانات خود را برای آرام کردن و بهبود اوضاع آن جامعه در اختیار این حکومت‌ها قرار می‌دهند. مثلاً در سال ۲۰۲۰ میلادی و پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا و زمانی که طرفداران یکی از نامزدهای انتخاباتی به نتایج انتخابات معترض بودند، حساب کاربری رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده (نامزد معترض) را در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، توئیتر و فیس‌بوک و... به حالت تعلیق (مسدود) درآوردند (irma.ir، ۱۳۹۹/۱۰/۲۰). این رفتارهای متناقض پیام‌رسان‌های خارجی وابسته، سبب می‌شود تا در استفاده و چگونگی مدیریت آن، توجهات لازم توسط دولت‌ها و کاربران با دقت و جدیت دنبال شود.

نخست: استفاده از پیام‌رسان‌ها و برنامه‌های خارجی: آیا استفاده از پیام‌رسان‌هایی نظیر (تلگرام، واتساپ و

اینستاگرام) جواز شرعی داشته یا حرام بوده و اعانت ظلمه قلمداد می‌شود؟

از نظر مقام معظم رهبری به طور کلی استفاده از شبکه‌های اجتماعی اگر مستلزم مفسده (مانند ترویج فساد، نشر اکاذیب و مطالب باطل) بوده و یا خوف ارتکاب گناه باشد و یا موجب تقویت دشمنان اسلام و مسلمین شود و یا خلاف قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست و تشخیص موضوع بر عهده مکلف است (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۵/۲۰). بنابراین، اگر ورود به یک نرم‌افزار و پیام‌رسان (خارجی) منجر به منفعت و سودی برای مدیران آن جهت رسیدن به مقاصد شوم، کذب و ضد اسلامی آن‌ها باشد، صرف ورود به آن برنامه‌ها حرام بوده؛ چرا که سبب تقویت و کمک به صاحبان و اداره‌کنندگان برنامه‌های مذکور می‌شود و این مورد از مصادیق اعانه ظالم خواهد بود. به عقیده مکارم شیرازی «هرگاه این کار خلاف قانون بوده یا سبب تقویت دشمنان اسلام گردد و یا مفساد اخلاقی یا اعتقادی و یا اجتماعی داشته باشد جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲/۵/۱۹). از نظر علوی بروجردی «این پیام‌رسان‌ها از قبیل ابزار است و استفاده صحیح از آن‌ها مانند استفاده صحیح و مشروع از دیگر ابزارها مشکلی ندارد» (علوی بروجردی، ۱۴۰۲/۵/۲۰).

نوری همدانی معتقد است «لازم است بر اساس قوانین نظام اسلامی عمل شود و هر عملی نیز که موجب تقویت کشورهای محارب و ظالم باشد حرام است» (نوری همدانی، ۱۴۰۲/۵/۱۹). بنابراین، حکم استفاده از پیام‌رسان‌های خارجی در صورت وجود مفسده و تقویت دشمنان اسلام، حرمت و عدم جواز است و در صورت استفاده، اشخاص می‌توانند بر اساس اعانت به ظلمه و یا اعانت بر اثم و عدوان مورد مواخذه قرار گیرند.

مورد دوم: مدیریت و نظارت بر پیام‌رسان‌های خارجی: با توجه به این که مدیریت آن‌ها در اختیار حکومت

اسلامی نیست و تحت مدیریت و جواز افرادی در خارج از دایره حکومت اسلامی می‌باشد، از این رو دولت اسلامی و

مسئولین مربوطه بایستی تعهدات لازم و الزام‌آور را از مدیران نرم‌افزارها و پیام‌رسان‌های خارجی نسبت به فعالیت در چارچوب قوانین شرعی کشور اسلامی اخذ نموده و بر حسن اجرای آن نظارت کنند. در غیر این صورت، بر اساس قاعده نفی سبیل و ضرورت حفظ نظام، حسب مورد مسئول بوده، دارای عقاب و مجازات متناسب خواهند بود. بنابراین، در بحث استفاده از پیام‌رسان‌های خارجی، اخذ تعهد و ایجاد قرارداد جهت برقراری و حفظ امنیت روانی و اخلاقی جامعه می‌توان گفت چنانچه استفاده از پیام‌رسان‌های خارجی موجب یکی از امور ذیل گردد، استفاده از آن حرام و از مصادیق اعانه ظلمه و اعانت بر اثم است:

۱. اگر مستلزم مفسده اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی (مانند ترویج فساد، نشر اکاذیب و مطالب باطل) باشد؛
 ۲. خوف ارتکاب گناه باشد؛
 ۳. موجب تقویت دشمنان اسلام و مسلمین و کشورهای محارب و ظالم شود؛
 ۴. خلاف قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد.
- نسبت به اخذ تعهد، ایجاد قرارداد و نظارت بر حسن اجرای مفاد قرارداد با شرکت‌های تولیدکننده نرم‌افزارهای خارجی:
۱. در صورت کوتاهی در اخذ تعهد؛
 ۲. عدم نظارت بر حسن اجرای تعهدنامه؛
- مسئولیت اشخاص ذی‌ربط در صورت عمل نکردن به این وظایف، مبتنی بر قاعده نفی سبیل خواهد بود.
- دلیل بر این مدعا آن است که مطابق قاعده نفی سبیل، سلطه غیرمسلمانان بر امت اسلامی مطلقاً نفی شده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۲۲)؛ و در طول تاریخ، به خصوص تاریخ معاصر که استکبار جهانی جهت سلطه خویش بر کشورها و ملت‌های دیگر در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی گام برداشته است، فقهای شیعه با تکیه بر قاعده نفی سبیل به مبارزه با سلطه آن‌ها پرداخته و تکلیف مکلفین را در مواجهه با استیلای جبهه باطل در زمینه‌های مختلف تبیین کرده‌اند؛ از جمله فتوای تاریخی سید محمدحسن حسینی شیرازی مشهور به میرزای شیرازی است که در مقابله با اعطای امتیاز ننگین تنباکو به بیگانگان و وابستگان به دولت بریتانیا (تالبوت) از سوی دولت قاجار، پس از تماس با دولت قاجار و عدم نتیجه‌گیری در لغو امتیاز اعطاشده به بیگانگان، حکمی را انشاء نموده و به موجب آن، این امتیاز که جهت استیلای سیاسی و اقتصادی دولت مستکبر بریتانیا بود لغو گردید (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۵۲). همچنین امام خمینی (ره) در مخالفت با اعطای حق مصونیت اتباع خارجی (افراد تابعه ایالات متحده آمریکا) در ایران معروف به لایحه کاپیتولاسیون، بیانیه خود را با عبارت قرآنی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» آغاز کردند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۰۹). روایات مختلفی هم بر این قاعده و حرمت سلطه غیرمسلمان بر مسلمین دلالت می‌کند؛ از جمله روایتی از رسول خدا (ص) است که فرموده‌اند: «الْإِسْلَامُ بَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۸، ص ۷۱). مطابق این روایت، در تمامی روابط

فی مابین فرد مسلمان و غیرمسلمان اعم از عقود، ایقاعات، معاهدات و پیمان‌ها باید برتری مسلمانان مد نظر قرار گرفته و کفار هرگز نباید سلطه حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر جامعه اسلامی داشته باشند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۵۵).

بنابراین، با توجه به این که در صورت کوتاهی در اخذ تعهد و عدم نظارت بر حسن اجرای تعهدنامه، استیلا و سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کفار و دولت‌های متخاصم تسهیل می‌شود، می‌توان بر اساس قاعده نفی سیل با نهادهای تارک فعل که وظیفه اخذ تعهد و نظارت بر حسن اجرای مفاد تعهدنامه با سازمان‌های خارجی را دارند برخورد کرد. چه آن که مطابق قاعده نفی سیل، اصل ۱۵۲ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است.

۸) نظر برگزیده

مرجفون در طول تاریخ باعث تحریف و ضربه زدن به امت اسلامی شده‌اند. سخنان بی‌پایه و اساس همیشه توسط دنیاپژوهان و افراد مستکبر به قصد سودجویی و زیاده‌طلبی در طول تاریخ وجود داشته و دارد. مقام معظم رهبری، ضمن تفکیک مفهوم آزادی از رها بودن از هر قید و بندی، مرز آزادی را چنین تبیین می‌کنند: «آزادی، دروغ‌گویی، شایعه‌پراکنی و ارجاف نیست. در آیه ۶۰ سوره مبارکه احزاب، مرجفین در کنار منافقان و بیماردلان قرار دارد و به معنای کسانی هستند که مردم را می‌ترسانند. نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که با سختی و خون شهدا ثمره داده و تنها حکومت مقتدر شیعی در عصر حاضر است، دشمنان فراوانی دارد که مترصد پیدا کردن فضا جهت ضربه رساندن به این نظام مقدس هستند. از این رو، همه باید برای دفاع از کشور و از این نظام عظیم انسانی و مردمی، از لحاظ روحی آماده باشند؛ اما یک عده مثل خوره به جان مردم بیافتند و روحیه‌ها را تضعیف کنند؛ این گروه همان مرجفین هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۳۶).

در طول تاریخ، مرجفون با نیت مختلف و اغراض شیطانی در صدد گمراهی مردم و عوام و کشاندن آن‌ها به اردوگاه باطل و سرگرم نمودن آن‌ها به لذائذ زودگذر دنیوی بودند تا به اهداف شوم خود برسند. به عنوان نمونه در جنگ صفین که میان سپاه علی (ع) و معاویه (لعنه الله علیه) شکل گرفته بود، فردی از سوی لشکر معاویه به سمت سپاه امام (ع) یورش برد و یکی از دلایل شرکت خود را در نبرد با حضرت علی (ع) عدم اقامه فریضه نماز توسط ایشان و یارانشان بیان کرد. سخن آن فرد این بود: «...فَإِنِّي أَقَاتِلُكُمْ لِأَنَّ صَاحِبَكُمْ لَا يُصَلِّي كَمَا ذُكِرَ لِي وَأَنْتُمْ لَا تُصَلُّونَ...»؛ «من با شما از آن‌رو پیکار می‌کنم که بر اساس گزارشی که به من رسیده است، فرمانده شما نماز نمی‌گزارد و شما نیز نماز نمی‌گزارید...!» (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۱۳).

بر اساس آنچه آمد و خطرات شایعه‌سازان و عواقب شیوع شایعه‌پراکنی در جامعه، برخورد با شایعه‌سازان و کسانی که با دامن زدن و باز نشر شایعات به مرجفون کمک و یاری می‌دهند و اشخاص حقیقی و حقوقی که وظایف نظارتی خود را در مواجهه با شایعه‌سازان انجام نداده و ترک فعل می‌کنند، امری لازم و عقلانی است.

با توجه به این که قصد مجرمانه در یک‌سری از اعمال و مصادیق، با عنایت به نوع جرم و قرائن موجود (از جمله تکرار) جزء لوازم ذاتی آن اعمال است، نیازی به فحص درباره قصد نبوده و لزوم وجود ضابطه قصد (به مثابه آنچه در ماده ۲۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای آمده است) محل بحث و تأمل است و بهتر است قانون‌گذار در قوانین موضوعه، به ویژه قانون جرائم رایانه‌ای که مختص فضای مجازی و جرائم مرتبط با آن است، در قالب ماده‌ای قانونی وظایف نهادهای نظارتی در قبال شایعه‌پراکنی مرجفون را مشخص کرده و سهم هر یک از شایعه‌سازان، اعانت‌کنندگان، باز نشر دهندگان شایعه و نهادهای نظارتی را مشخص نماید؛ چرا که خطر شایعه‌پردازی در جامعه به قدری مهلک است که خداوند سبحان در صورت تکرار آن توسط بیمار دلان جامعه، آن‌ها را به سرنوشت و مواخذه سختی (تبعید و اعدام) هشدار می‌دهد.

۹) نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. شایعه‌سازان به تنهایی نمی‌توانند به مقاصد خود دست پیدا کنند مگر آن که عده‌ای با باز نشر اطلاعات و اخبار خلاف واقع آن‌ها و اشخاص حقیقی یا حقوقی با انجام ندادن وظایف نظارتی خود، آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان یاری نمایند. بنابراین هر یک از این اشخاص (شایعه‌سازان، اعانت‌کنندگان آن‌ها و نهادهای ذی‌ربط) به سهم خود دارای مسئولیت در تشویش و ایجاد اضطراب همگانی در جامعه هستند و باید به اندازه سهم خود پاسخ‌گو باشند. لکن با وجود توجه به مسئله شایعه‌پراکنی در پژوهش‌ها و مقالات، آن‌طور که باید به دو مورد دیگر (باز نشر دهندگان و مسئولان نظارتی) توجه نشده است.

۲. وجود عبارت «قصد» در ماده ۱۸ از قانون جرائم رایانه‌ای به نظر می‌رسد محل خدشه باشد و به عقیده نگارنده اگر لفظ «در صورت تکرار» ذکر شود، هم دربرگیرنده قصد بوده و هم منطبق بر رأی شارع حکیم در قرآن کریم می‌باشد. چه آنکه در بسیاری از موارد، نوع عمل رساننده قصد بوده و نیازی به بررسی آن نیست.

۳. مسئولیت کاربران در فضای مجازی نسبت به شایعه‌پراکنی مرجفون، از طریق قاعده اعانت بر اثم قابل اثبات است؛ چرا که اشخاص باید قبل از فعل و انفعال و کنش و واکنش، به عواقب آن توجه نموده و مطابق دستور قرآنی به فحص و بررسی اخبار و اطلاع از صحت و کذب آن پردازند.

۴. مسئولیت نهادهای نظارتی در برخورد و مواجهه با قانون‌شکنی مرجفون و شایعه‌پراکنی آنها، از طریق دو قاعده اعانت بر اثم و نفی سبیل قابل اثبات است.
۵. در پایان پیشنهاد می‌شود ماده ۱۸ از قانون جرائم رایانه‌ای با توجه به مطالب گفته شده در مقاله حاضر مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته و با دقت بیشتری مسئولیت هر یک از اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در آن پیش‌بینی شود و مجازات متناسب با توجه به سهم هر یک و مداخلیت آنها در تحقق جرم (تشویش اذهان و ایجاد شکاف در جامعه و نظم عمومی) وضع گردد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر جزری، علی بن محمد. (۱۳۸۵ ق). الکامل فی التاریخ (ج ۳). بیروت: دار الصادر.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (ج ۱). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، ابوالفضل جلال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (ج ۱۳). بیروت: دار صادر.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۱ ق). المکاسب (ج ۱). قم: انتشارات دار الذخائر.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ نادری، محسن؛ زارعی، محمدمهدی. (۱۴۰۳). مسئولیت پسند (لایک) پیام قبیح دیگران در فضای مجازی مبتنی بر قاعده اعانت بر اثم. مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب دانشگاه کردستان، ۷(۱)، ۲۷-۵۳.
- حسینی پنجکی، سید یحیی. (۱۴۰۰). نقش مرجفون در فرآیند تحریف به عنوان ناقل تهدیدات هیبریدی در محیط امنیتی (مطالعه موردی شیوع ویروس کرونا). امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۱(۴۲)، ۳۵۱-۳۸۶.
- خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، سید علی حسینی. (۱۳۸۸). سایه‌سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان) (ج ۳). قم: دفتر نشر معارف.
- خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، سید علی حسینی. (۱۴۰۲/۳/۱۳). استفتائات اختصاصی (کد رهگیری/نشانی: leader.ir).
- خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، سید علی حسینی. (۱۴۰۲/۵/۲۱). استفتائات اختصاصی (کد رهگیری/نشانی: leader.ir).
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). (۱۳۹۹/۱۰/۲۰). حساب کاربری دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در شبکه اجتماعی توئیتر به طور دائم تعلیق شد. بازبایی شده از irna.ir.
- خبرگزاری فارس. (۱۳۹۸/۲/۱۰). اخطار اینستاگرام به کاربران به‌خاطر انتشار تصویر قاسم سلیمانی! بازبایی شده از farsnews.ir.
- دوزدوزانی تبریزی، یدالله. (۱۴۰۲/۴/۳۱). استفتائات اختصاصی (نشانی: duzdudani@yahoo.com).
- دوزدوزانی تبریزی، یدالله. (۱۴۰۲/۵/۲۶). استفتائات اختصاصی (نشانی: duzdudani@yahoo.com).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل. (۱۴۰۴ ق). المفردات فی غریب القرآن (ج ۱). تهران: دفتر نشر کتاب.
- سیاح طاهری، محمدحسین و دیگران. (۱۳۹۶). حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟) (ج ۱). تهران: مرکز ملی فضای مجازی.
- شاه‌محمدی، غلامرضا. (۱۳۹۵). راهبردهایی برای پیشگیری وضعی از آسیب‌های فضای مجازی. فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۱(۲)، ۱۴۴-۱۰۱.

- طباطبایی، سید محمدحسین. (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۵). قم: انتشارات اسماعیلیان.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الإمامیه (ج ۲ و ۸). تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- علوی بروجردی، سید محمدجواد. (۱۴۰۲/۴/۱۲). استفتائات اختصاصی (نشانی: info@alaviboroujerdi.ir).
- علوی بروجردی، سید محمدجواد. (۱۴۰۲/۶/۲). استفتائات اختصاصی (نشانی: info@alaviboroujerdi.ir).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون جرائم رایانه‌ای.
- قانون مجازات اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ج ۹). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- محمدری‌شهری، محمد. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه امنیت ملی. (ترجمه حمیدرضا شیخی) (ج ۱). قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (بی‌تا). پیام مولا از بستر شهادت (ج ۱). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن (ج ۳). قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). لغات در تفسیر نمونه (ج ۱). قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ ق). کتاب النکاح (ج ۱). قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ ق). دائرة المعارف فقه مقارن (ج ۱). قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۲/۳/۱۸). استفتائات اختصاصی (نشانی: pasokh@makarem.ir).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۲/۳/۲۱). استفتائات اختصاصی (نشانی: pasokh@makarem.ir).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۲/۵/۱۹). استفتائات اختصاصی (نشانی: pasokh@makarem.ir).
- موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیة (ج ۱). قم: نشر الهادی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۹). قواعد فقهیه (ج ۱). تهران: موسسه عروج.
- موسوی‌پور، سید محمدحسین. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی روانشناختی شایعه و راهکارهای مواجهه با آن در قرآن کریم. پژوهش‌نامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴ (۵۳)، ۱۶۸-۱۲۹.
- موسوی خمینی (امام)، سید روح‌الله. (۱۳۶۸). المکاسب المحرمة (ج ۱). قم: موسسه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی (امام)، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۱ و ۸). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی (امام)، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع (ج ۲). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نادری، محسن؛ ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ زارعی، محمدمهدی. (۱۴۰۳). بررسی فقهی شرطیت تحقق معان‌علیه در صدق عنوان اعانت با تاکید بر کارکردهای قاعده اعانت بر اثم در فضای مجازی. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، ۵۷ (۱)، ۹۵-۱۱۶.
- نوری همدانی، حسین. (۱۴۰۲/۳/۲۰). استفتائات اختصاصی (نشانی: istifta@nooriamedani.com).
- نوری همدانی، حسین. (۱۴۰۲/۵/۲۱). استفتائات اختصاصی (نشانی: istifta@nooriamedani.com).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران. (۱۳۸۵). فرهنگ فقه فارسی (ج ۱). قم: موسسه دائرة معارف الفقه الإسلامی.

References

The Holy Qur'an

- ‘Alavī Burūjirdī, Sayyid Muḥammad-Javād. (12/4/1402 SH). *Istiftā’āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: info@alaviboroujerdi.ir. [In Persian]
- ‘Alavī Burūjirdī, Sayyid Muḥammad-Javād. (2/6/1402 SH). *Istiftā’āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: info@alaviboroujerdi.ir. [In Persian]
- Anṣārī, Shaykh Murtaḍā. (1411 AH). *Al-Makāsib*. Qom: Intishārāt-i Dār al-Dhakhā’ir. [In Arabic]
- Dūzdūzānī Tabrizī, Yad Allāh. (26/5/1402 SH). *Istiftā’āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: duzduzani@yahoo.com. [In Persian]
- Dūzdūzānī Tabrizī, Yad Allāh. (31/4/1402 SH). *Istiftā’āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: duzduzani@yahoo.com. [In Persian]
- Fars News Agency. (10/2/1398 SH). *Ikhtār-i Instagram bi-Kārbarān bi-Khāṭir-i Intishār-i Taṣvīr-i Qāsim Sulaymānī!* Retrieved from farsnews.ir. [In Persian]
- Hāshimī Shāhrūdī, Sayyid Maḥmūd, et al. (1385 SH). *Farhang-i Fiqh-i Fārsī*. Qom: Mu’assasah-yi Dā’irat al-Ma’ārif al-Fiqh al-Islāmī. [In Persian]
- Ḥusaynī Panjkī, Sayyid Yaḥyā. (1400 SH). “Naqsh-i Murjifūn dar Farāyand-i Tahrīf bi-‘Unwān-i Nāqil-i Tahdīdāt-i Hibridī dar Muḥīt-i Amniyyatī (Muṭālī‘ah-yi Mūridī-yi Shīū‘-i Vīrūs-i Koronā).” *Amniyyat-i Millī-yi Dānishgāh va Pizhūhishgāh-i ‘Ālī-yi Dīfā‘-i Millī va Taḥqīqāt-i Rāhburdī*, 11(42), 351–386. [In Persian]
- Ibn al-Athīr al-Jazarī, ‘Alī ibn Muḥammad. (1385 SH). *Al-Kāmil fī al-Tārīkh*. Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Ibn Bābawayh al-Qummī (Shaykh Ṣadūq), Abū Ja‘far Muḥammad ibn ‘Alī. (1362 SH). *Al-Khiṣāl*. Qom: Jāmi‘at Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi ‘Ilmiyyah-yi Qom. [In Arabic]
- Ibn Manẓūr, Abū al-Faḍl Jamāl al-Dīn Muḥammad ibn Mukarram. (1414 AH). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic]
- Islamic Republic News Agency (IRNA). (20/10/1399 SH). *Ḥisāb-i Kārbarī-yi Donald Trump, Ra’īs-Jumhūr-i Āmrīkā, dar Shabakeh-yi Ijtīmā‘ī-yi Tūyītar bi-Ṭūr-i Dā‘im Ta’līq Shud*. Retrieved from irna.ir. [In Persian]
- Izādīfard, ‘Alī-Akbar; Nādirī, Muḥsin; Zārī‘ī, Muḥammad-Mahdi. (1403 SH). “Mas’ūliyyat-i Pasand (Lāyk) Payām-i Qabīl-i Dīgarān dar Faḍā-yi Majāzī Muntanid bar Qā’ideh-yi I‘ānat bar Ithm.” *Muṭāla‘āt-i Taṭbīqī-yi Fiqh va Uṣūl-i Madhāhib-i Dānishgāh-i Kurdistān*, 7(1), 27–53. [In Persian]
- Khamenei, Sayyid Ali Hussein. (13/3/1402 SH). *Istiftā’āt-i Ikhtiṣāṣī*. Tracking code/address: leader.ir. [In Persian]
- Khamenei, Sayyid Ali Hussein. (1388 SH). *Sāyah-Sār-i Vilāyat (Manshūr-i Maṭālibāt-i Maqām-i Mu‘azzam-i Rahbarī az Dānishgāh va Dānishgāhiyān)*. Vol. 3. Qom: Daftar-i Nashr-i Ma’ārif. [In Persian]
- Khamenei, Sayyid Ali Hussein. (21/5/1402 SH). *Istiftā’āt-i Ikhtiṣāṣī*. Tracking code/address: leader.ir. [In Persian]
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir. (1404 AH). *Mir’āt al-‘Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1377 SH). *Akhlaq dar Qur’an*. Qom: Madraseh-yi Imam ‘Alī ibn Abī Ṭālib (‘a.s). [In Persian]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1387 SH). *Lughāt dar Tafṣīr-i Nemūneh*. Qom: Madraseh-yi Imam ‘Alī ibn Abī Ṭālib (‘a.s). [In Persian]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1424 AH). *Kitāb al-Nikāḥ*. Qom: Madraseh-yi Imam ‘Alī ibn Abī Ṭālib (‘a.s). [In Arabic]

- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1427 AH). *Dā'irat al-Ma'ārif-i Fiqh-i Muqāran*. Qom: Madraseh-yi Imam 'Ali ibn Abī Ṭālib ('a.s). [In Persian]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (18/3/1402 SH). *Istiftā'āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: pasokh@makarem.ir. [In Persian]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (19/5/1402 SH). *Istiftā'āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: pasokh@makarem.ir. [In Persian]
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (21/3/1402 SH). *Istiftā'āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: pasokh@makarem.ir. [In Persian]
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad-Taḳī. (n.d.). *Payām-i Mawlā az Bistar-i Shahādat*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhullah. (1368 SH). *Al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qom: Mu'assasah-yi Ismā'īliyyān. [In Arabic]
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhullah. (1389 SH). *Ṣaḥīfeh-yi Imam*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhullah. (1421 AH). *Kitāb al-Bay'*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Muḥammadī Ray-Shahrī, Muḥammad. (1389 SH). *Farhangnāmeḥ-yi Amniyyat-i Millī*. Translated by Ḥamid-Reza Shaykhī. Qom: Mu'assasah-yi 'Ilmī-Farhangī-yi Dār al-Ḥadīth. [In Persian]
- Musavipour, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1402 SH). “Āsībshināsī-yi Ravānshināktī-yi Shāyi'ah va Rāhkārḥā-yi Muvājaheḥ bā Ān dar Qur'an-i Karīm.” *Pizhūhishnāmeḥ-yi Ma'ārif-i Qur'anī-yi University of Allāmah Ṭabāṭabā'ī*, 14(53), 129–168. [In Persian]
- Mūsawī Bujnūrdī, Sayyid Ḥasan. (1377 SH). *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*. Qom: Nashr al-Hādī. [In Arabic]
- Mūsawī Bujnūrdī, Sayyid Muḥammad. (1379 SH). *Qawā'id-i Fiqhiyyah*. Tehran: Mu'assasah-yi 'Urūj. [In Persian]
- Nādirī, Muḥsin; Izadīfard, 'Ali-Akbar; Zārī'ī, Muḥammad-Mahdi. (1403 SH). “Barresī-yi Fiqhī-yi Shartīyyat-i Taḥaqqūq-i Mu'ān 'Alayh dar Ṣidq-i 'Unwān-i I'ānat bā Ta'kid bar Kārkardhā-yi Qā'idēh-yi I'ānat bar Ithm dar Faḍā-yi Majāzī.” *Nashriyyeh-yi Fiqh va Mabānī-yi Huqūq-i Islāmī-University of Tehran*, 57(1), 95–116. [In Persian]
- Nūrī Hamadānī, Ḥusayn. (20/3/1402 SH). *Istiftā'āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: istifta@noorihamedani.com. [In Persian]
- Nūrī Hamadānī, Ḥusayn. (21/5/1402 SH). *Istiftā'āt-i Ikhtiṣāṣī*. Address: istifta@noorihamedani.com. [In Persian]
- Qānūn-i Asāsī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Iran* (Constitution of the Islamic Republic of Iran.). [In Persian]
- Qānūn-i Jarā'im-i Rāyānah-I* (Computer Crimes Law) [In Persian]
- Qānūn-i Mujāzāt-i Islāmī* (Islamic Penal Code) [In Persian]
- Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad ibn Faḍl. (1404 AH). *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'an*. Tehran: Daftar-i Nashr-i Kitāb. [In Arabic]
- Sayyāḥ Ṭāhirī, Muḥammad-Ḥusayn, et al. (1396 SH). *Ḥaqīqat-i Majāzī (Darbāreh-yi Faḍā-yi Majāzī Chih Bidānīm va Chih Bigūyīm?)*. Tehran: Markaz-i Millī-yi Faḍā-yi Majāzī. [In Persian]
- Shāh-Muḥammadī, Ghulām-Reza. (1395 SH). “Rāhburdhāyī barā-yi Pīshgīrī-yi Waḍ'ī az Āsīb-hā-yi Faḍā-yi Majāzī.” *Faṣlnāmeḥ-yi Muṭāla'āt-i Rāhburdī-yi Nāajā*, 1(2), 101–144. [In Persian]

Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (n.d.). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an*. Qom: Intishārāt-i Ismā'īliyyān. [In Arabic]

Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad ibn Ḥasan. (1387 AH). *Al-Mabsūṭ fī Fiqh al-Imāmiyyah*. Tehran: Al-Maktabah al-Murtaḍawiyyah li-Iḥyā' al-Āthār al-Ja'fariyyah. [In Arabic]